



Designing a Model for the Establishment of Integrated Regional Governance in Iran

Keramatollah Ziari^{1*} | Roqaye Godarzvand Chegini² | Hadi Hoseinkhani³

1. Corresponding Author, Department of Human Geography and Planning, Faculty of Geography, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: Zayyari@ut.ac.ir
2. Department of Human Geography and Planning, Faculty of Geography, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: r.g.chegini@ut.ac.ir
3. Department of Human Geography and Planning, Faculty of Geography, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: hoseinkhanihadi@ut.ac.ir

ARTICLE INFO

Article type:
Research Article

Article History:
Received June 20, 2024
Revised August 04, 2024
Accepted September 08, 2024
Published online 17 February 2025

Keywords:

Institutionalist political economy,
Integrated governance,
Iran,
Neoliberalism,
Region.

ABSTRACT

Defining effective mechanisms, this research seeks to design a model for establishing integrated regional governance in Iran, realizing "convergent interaction" with a flexible structure with macro and micro players, resource mobilization for redistribution, development, and improvement of resource allocation in an integrated manner. The main research question addressed in this research is: "What mechanisms can be formulated for the establishment of integrated regional governance in Iran?" This research was conducted using the grounded theory method. The statistical population included experts and managers of macro-level and micro-level ministries selected through the snowball sampling technique. Based on the theoretical summary and the results of the opinion of the expert panel, to design a model for the establishment of integrated regional governance in Iran, it is necessary to define mechanisms. First, the conditions that led to this were formulated with propositions such as decentralization in the planning system and political-administrative decentralization which directly affect the main category of "spatial management." The next layer involves the governing platform with the definition of institutional-legal, economic, and environmental mechanisms. The next level is the intervening conditions by defining the mechanisms of reforming the educational system and reforming the culture. Finally, all these levels related to the actions and interactions by defining the mechanisms of reforming the management structure with an integration approach, can create structures to realize the model of the establishment of integrated governance in Iran. Therefore, integrated regional governance in Iran will be made by multi-level governance systems with complex configurations of connecting structures and mechanisms at different levels.

Cite this article: Ziari, K.; Godarzvand Chegini, R. & Hoseinkhani, H. (2024-25). Designing a Model for the Establishment of Integrated Regional Governance in Iran. *Town and Country Planning*.16 (2), 223-237. <http://doi.org/10.22059/jtcp.2024.378258.670457>



© The Author(s). **Publisher:** University of Tehran Press.
DOI: <http://doi.org/10.22059/jtcp.2024.378258.670457>



طراحی مدل استقرار حکمروایی یکپارچه منطقه‌ای در ایران

کرامت‌اله زبیری^{۱*} | رقیه گودرزوند چگینی^۲ | هادی حسین‌خانی^۳

۱. نویسنده مسئول، گروه جغرافیای انسانی و برنامه ریزی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: Zayyari@ut.ac.ir
۲. گروه جغرافیای انسانی و برنامه ریزی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: r.g.chegini@ut.ac.ir
۳. گروه جغرافیای انسانی و برنامه ریزی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: hoseinkhanihadi@ut.ac.ir

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

پژوهشی

تاریخ‌های مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۳۱

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۵/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۱۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۱/۲۹

کلیدواژه:

اقتصاد سیاسی نهادگرا،

ایران،

حکمروایی یکپارچه،

منطقه،

نتولیرالیسم.

این پژوهش ضمن تعریف مکانیزم‌های موثر به دنبال طراحی مدلی برای استقرار حکمروایی یکپارچه منطقه‌ای در ایران است که "تعامل همگرا" با ساختار منعطف با بازیگران کلان و خرد، بسیج منابع در جهت توزیع مجدد، توسعه و بهبود تخصیص منابع به صورت یکپارچه محقق گردد. سوال اصلی این پژوهش "چه مکانیزم‌هایی برای استقرار حکمروایی یکپارچه منطقه‌ای در ایران می‌توان تدوین نمود؟" این پژوهش با روش‌گردد تئوری جمع‌بندی گردید. جامعه آماری این پژوهش شامل متخصصین و مدیران وزارتخانه‌های سطح کلان و سطح خرد به روش گلوله برفی (ارجاع زنجیره‌ای) انتخاب گردیدند. براساس جمع‌بندی نظری و نتایج نظر پند تخصصی، به منظور طراحی مدلی برای استقرار حکمروایی یکپارچه منطقه‌ای در ایران نیاز به تعریف مکانیزم‌هایی است. ابتدا شرایطی که موجب این امر می‌گردد با گزاره‌هایی مانند: تمرکززدایی در نظام برنامه‌ریزی، تمرکززدایی سیاسی-اداری و تدوین شد که به طور مستقیم بر مقوله اصلی "مدیریت فضایی" تاثیر می‌گذارد. لایه بعد، بستر حاکم با تعریف مکانیزم‌های نهادی-قانونی، اقتصادی و زیست محیطی؛ سطح بعدی، شرایط مداخله گر با تعریف مکانیزم‌های اصلاح سیستم آموزشی و اصلاح فرهنگ؛ سطح بعد، تمامی این سطوح به کنش‌ها و تعاملات با تعریف مکانیزم‌های اصلاح ساختار مدیریت با رویکرد یکپارچه سازی می‌تواند ساختارهایی برای تحقق مدل استقرار حکمروایی یکپارچه در ایران ایجاد نماید. بنابراین حکمروایی یکپارچه منطقه‌ای در ایران، با سیستم‌های چند سطحی حکمروایی با پیکربندی‌های پیچیده از اتصال ساختارها و مکانیزم‌هایی در سطوح مختلف ایجاد خواهد شد.

استناد: کرامت‌اله زبیری، رقیه گودرزوند چگینی، هادی حسین‌خانی (۱۴۰۳). طراحی مدل استقرار حکمروایی یکپارچه منطقه‌ای در ایران. *آمایش سرزمین*، ۱۶ (۲) ۲۲۳-۲۳۳.

<http://doi.org/10.22059/jtcp.2024.378258.670457>

© نویسندگان. ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jtcp.2024.378258.670457>



مقدمه

در طول دو دهه گذشته، تحقیقات و بحث‌های سیاسی در مورد حکمروایی و یکپارچگی منطقه‌ای در سراسر جهان و در بسیاری از زمینه‌ها از سیاست، تجارت و توسعه اقتصادی، امور اجتماعی، بهداشت، آموزش تا صلح و امنیت و ... صورت گرفته است (Fawn, 2009). بسیاری از ناظران حتی به «معماری حکمروایی یکپارچه منطقه‌ای»، هم در سطح کلان هم در سطح خرد، اشاره می‌کنند (Acharya, 2007 & 2016a).

منطقه‌ها واحدهای تشکیل شده از موجودیت‌های انسانی و غیر انسانی تعریف می‌شوند که برای رسیدن به اهداف مطلوب و مورد توافق با یکدیگر در ارتباط‌اند. آن‌ها سیستم‌هایی از روابط پیچیده موقتی حول پروژه‌های معین یا حلقه‌های ارتباطی غیر رسمی هستند. منطقه‌ها زمانی که با اطلاعات متناقض یا شرایط عدم اطمینان روبه‌رو می‌شوند نیازمند یک رویکرد منعطف‌اند یا زمانی که دانش و منابع با مسئله‌ای روبه‌رو می‌شوند که فراتر از مرزهاست روش‌های سنتی مدیریت با ساختارهای سلسله‌مراتبی، مرزهای سیاسی کاملاً خط‌کشی شده، مدیریت بخشی و بالا به پایین اثربخشی کمتری دارند (Kapucu & Garayev, 2016). شیوه‌های سنتی حکمروایی شامل بازیگران مختلف از دولت‌ها و تصمیم‌گیری‌های فراملی است. به عنوان یک مخرج مشترک، این شیوه‌های حکمروایی حاکی از درجه‌ای از برتری و تبعیت است. زیرا بازیگران ممکن است به طور مقتدرانه قانون را از طریق فرمان و کنترل «از بالا به پایین» ایجاد و اجرا کنند (Panke & Stapel, 2024). درحالی‌که چرخش حکمروایی سنتی به حکمروایی نوین زمینه را برای حکمروایی روشن‌تر کرد.

حکمروایی دو وجه دارد. برخی مواقع تأکید بر نهادها و ساختارها و سازمان‌هاست؛ یعنی جنبه عینی دارد. گاهی هم به عنوان فرایند به کار می‌رود. وقتی حکمروایی به منظور نیاز اجتماعی، نیروی اجتماعی، و حرکت اجتماعی برای اداره زندگی باشد فرایندی محسوب می‌شود که باید به شکلی نهادمند و قانونی درآید. بنابراین هر نوع حرکت و تحولی سه مرحله دارد: مفهوم‌سازی، نهادسازی، و پس از آن فرهنگ‌سازی. امروزه، در سطح جهانی، حکومت و حاکمیت بشری رویکرد نوینی را می‌طلبد. حکمروایی هم شامل نیروها و انگیزه‌های اجتماعی است هم شامل سازمان‌ها و نهادهایی که می‌توانند به آن تحقق بیرونی بخشند. در نتیجه می‌توان گفت در هسته اصلی فرایند یکپارچگی حکمروایی منطقه‌ای قدرت در سراسر حوزه‌های فضایی متعدد در داخل و خارج از دولت پراکنده است. به عبارت دیگر، سیستمی از مذاکرات مستمر میان مدیریت‌های تودرتو در چندین سطح سرزمینی- فراملی، ملی، منطقه‌ای، و محلی ایجاد می‌شود (Panke & Stapel, 2024).

از این رو، حکمروایی یکپارچه منطقه‌ای معمولاً زمانی ظهور پیدا می‌کند که کنشگران درگیر به یکدیگر وابستگی متقابل داشته باشند. زمانی که کنشگران به اقدامات مشترک همه شرکای درگیر نیاز دارند قدرت خود را از مکمل بودن منابع و قابلیت‌ها و دانش کنشگران درگیر به دست می‌آورند. حکمروایی یکپارچه منطقه‌ای میان سه بخش دولت، بخش خصوصی، و جامعه مدنی هم‌افزایی ایجاد می‌کند (Steets, 2003). در واقع حکمروایی یکپارچه منطقه‌ای میان اراده‌گرایی و مشروعیت سازمان‌های مردم‌نهاد، قدرت مالی و توان اجرایی بخش خصوصی، و کارکردهای قانون‌گذاری و اجبار و ظرفیت‌سازی دولت‌ها هم‌افزایی ایجاد می‌کند (زیاری، ۱۳۹۳؛ زیاری و محمدی، ۱۳۹۶).

در این میان، ردیابی حکمروایی یکپارچه منطقه‌ای در مدیریت منطقه‌ای و ملی ایران که اساساً مبتنی بر استقلال هر یک از مناطق و دارای تعامل انفعالی است بسیار دشوار است. ساختار مدیریت فعلی مناطق در ایران مبتنی بر روابط سیاسی- اداری، بالا به پایین، و بدون در نظر گرفتن فضای عملکردی فراتر از سطح استان‌ها و پایین‌تر از سطح ملی است. مهم‌ترین شاهد بر این ادعا ضعف در کاربست رویکرد آمایش فضایی منطقه‌ای در اداره مناطق ایران است (زیاری و گودرزوند چگینی، ۱۴۰۳).

مدیریت منطقه‌ای در ایران از مدیریت یکپارچه و سیستمی فاصله دارد و در گرداب مدیریت بخشی و سلولی گرفتار و در دیدگاه‌ها و نگرش‌های بالا به پایین اسیر شده است؛ طوری که بر ساختارها و نهادهای متمرکز و غیر دموکراتیک تکیه می‌کند و به نهادهای عمومی و مدنی توجه نمی‌کند و تشکلهای غیر دولتی در اداره مناطق نقش محدودی دارند (آشناور و همکاران، ۱۴۰۰). بنابراین در حال حاضر رویکردی که اثربخش‌ترین و پایدارترین شیوه مدیریت منطقه‌ای معرفی می‌شود حکمروایی یکپارچه منطقه‌ای است و در این پژوهش به آن پرداخته شده است.

اهداف و سؤالات پژوهش

این پژوهش ضمن تعریف مکانیسم‌های مؤثر به دنبال طراحی مدلی برای استقرار حکمروایی یکپارچه منطقه‌ای در ایران است که «تعامل همگرا» با ساختار منعطف با بازیگران کلان و خرد، بسیج منابع در جهت توزیع مجدد، توسعه و بهبود تخصیص منابع به صورت یکپارچه محقق شود. سؤال اصلی این پژوهش این است که «چه مکانیسم‌هایی برای استقرار حکمروایی یکپارچه منطقه‌ای در ایران می‌توان تدوین کرد؟».

پیشینه نظری پژوهش

بخش اول. سطح کلان: رویکرد اقتصاد سیاسی نهادگرا

یکپارچه‌سازی شرکت‌ها، بازارها، مناطق عملکردی

نئولیبرالیسم در طول سی سال گذشته به یک ایدئولوژی مسلط در کشورهای توسعه‌یافته تبدیل شده و از طریق رویکرد اقتصاد سیاسی نهادگرا بسترهای مناسب حکمروایی و متعاقب آن تحقق توسعه محلی- منطقه‌ای را رقم زده است (Grigorescu, 2020). دور شدن از اشکال سلسله‌مراتبی حکومت به سمت ساختار حکمروایی منعطف با بازیگران متعدد نوید شکل‌گیری حکمروایی منطقه‌ای را می‌دهد (Orsini et al., 2020, Zelli et al., 2020).

چارچوب نظری و عملی حکمروایی از منظر اقتصاد سیاسی نهادگرا به بازنگری «عمودی» قدرت‌های سیاسی، به دور از برتری دولت ملی، در مدیریت اقتصادی اشاره می‌کند. این امر شاهد تخصیص مجدد قدرت‌ها، مسئولیت‌ها، و منابع به صورت عمودی و افقی، هم به سمت بالا به نهادهایی مانند سازمان تجارت جهانی هم به سمت پایین به نهادهای حاکمیت محلی و منطقه‌ای، بوده است (Acharya, 2007 & 2016a). اگرچه در ابتدا به نظر می‌رسد این فرایند موجب تضعیف دولت ملی شده، این امر دور از واقعیت است. چون تأثیر دولت از طریق توانایی آن در تنظیم قوانین جدید بازی است (Bartley, 2018). بنابراین، به جای اینکه دولت مستقیماً در بسیاری از حوزه‌های سیاست دخالت کند، به طور فزاینده، به تعیین چارچوب‌های نظارتی و سیاستی برای دیگران می‌پردازد. به طور خلاصه، به دنبال «هدایت» است نه اجرای مستقیم. به این ترتیب، نقش دولت در تعیین قوانین حکمروایی نمایان می‌شود (Söderbaum, 2005 & 2011; Hänggi et al., 2006).

در این میان، اقتصاد سیاسی نهادگرا برای تحقق یکپارچه‌سازی شرکت‌ها، بازارها، و مناطق عملکردی از طریق حکمروایی به نهادسازی منطقه‌ای می‌پردازد (Hoffmann, 2006; Nau, 1979; Keohane, 1975 & 1991) مثلاً اتحادیه اروپا را به عنوان یک نهاد بین‌المللی که به دنبال شکل‌گیری حکمروایی منطقه‌ای در اروپاست تأسیس کرده‌اند. از منظر حکمروایی منطقه‌ای فرایند هماهنگی، همکاری، و یکپارچه‌سازی سیاستی در چارچوب جهانی شدن اقتصاد موجب کاهش هزینه مبادلات، اشتراک‌گذاری اطلاعات، و کاهش ریسک سرمایه‌گذاری‌ها با ایجاد یک نهاد مشترک امکان‌پذیر است (Keohane, 1984).

بخش دوم. سطح خرد: منطقه‌گرایی و نهادها

اگرچه به نظر می‌رسد نئولیبرالیسم در تحقق حکمروایی منطقه‌ای در سطح کلان با دشواری‌هایی مواجه بوده، این امر در سطح خرد به دلیل وجود انواع تفرق‌ها در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و ... با پیچیدگی بالایی روبه‌روست. نئولیبرالیسم یک گذار تدریجی، اما کم و بیش خطی از یکپارچگی اجتماعی، فنی و اقتصادی به یکپارچگی نهادی با هدف تحقق اهداف اقتصاد سیاسی برای برون‌رفت از تفرق‌ها است (Jessop, 2002; Garlick, 1997; Houghton et al., 2003) و بدین طریق به شکل‌گیری حکمروایی یکپارچه منطقه‌ای کمک می‌کند. ناگفته نماند در این سطح نیز دولت‌ها اقدام به تفویض بخشی از اختیارات خود به نهادهای منطقه‌ای و محلی می‌کنند. همان‌طور که گفته شد دولت‌ها از طریق تنظیم قوانین جدید حوزه عمل خود را تعریف می‌کنند؛ به این معنا که به جای دخالت مستقیم تنها نقش نظارتی و سیاستی و در نهایت هدایت این نهادهای منطقه‌ای و محلی را دارند (Nadalutti, 2019).

در سطح خرد رویکرد اقتصاد سیاسی نهادگرا از طریق حکمروایی منطقه‌ای مسئول سیاست‌گذاری‌ها، ایجاد نهاد مشترک مالی، شکل‌گیری شبکه‌ها در فرایند هماهنگی و همکاری و یکپارچگی است. به عنوان بخشی از این روند، رهبران تجاری و سازمان‌های مدنی به طور فزاینده در تصمیم‌گیری و فعالیت‌های اجرایی دولت با شرکای بخش خصوصی به‌ویژه در توسعه اقتصادی ادغام شده‌اند (یکی از مؤلفه‌های کلیدی شکل‌گیری حکمروایی منطقه‌ای- محلی بسیج منابع در جهت استقلال مالی آن است. اما در عمل محدودیت مالی موجب استفاده از بودجه دولتی در انواع سرمایه‌گذاری‌های اقتصاد محلی خواهد شد و عملاً استقلال مالی شکل نمی‌گیرد و در نتیجه به‌رغم افزایش مبادلات اقتصادی و اجتماعی درون منطقه‌ای نهادسازی رسمی در سطح منطقه‌ای- محلی شکل نگرفته است (Scholte, 2021; Panke et al., 2017).

پیشینه تجربی پژوهش

تیمینسکی^۱ (۲۰۲۲) در مقاله «بسیج^۲، مونتاژ^۳، و ترجمه^۴ سیاست توسعه یکپارچه شهری در اوکراین: آشکار کردن استراتژی‌ها، بازیگران، و کارگران» از «چارچوب شهرسازی مونتاژ^۴ برای تحلیل بسیج رویکرد IUD^۵ در شهرهای اوکراین استفاده می‌کند. دوره‌ای که روی آن تمرکز می‌کند از اواخر دهه ۲۰۰۰ شروع می‌شود و در سال ۲۰۱۴ به پایان می‌رسد؛ زمانی که رویکرد IUD به سطح ملی ارتقا یافت. نویسنده، با استفاده از مدل تحلیلی سه‌بخشی بسیج و مونتاژ و ترجمه، روند پویای توسعه سیاست شهری را دنبال می‌کند که رویکرد IUD را به مجموعه سیاست‌های ناهمگن غالب در کشور تبدیل کرد. به طور کلی، این تحقیق بینش‌های ارزشمندی را در مورد تکامل پارادایم‌های برنامه‌ریزی شهری و توسعه سیاست در اوکراین ارائه می‌دهد. ارتباط آن با بحث در مورد طراحی منطقه‌ای از شرح مقیاس‌های فضایی درهم‌تنیده، سطوح حکمروایی، و چارچوب‌های زمانی ناشی می‌شود که زمینه طراحی منطقه‌ای را تشکیل می‌دهد.

باربیر^۶ و خان‌تنجه (۲۰۲۳) پژوهشی را با عنوان «بررسی پیشینه مدیریت دولتی و حکمروایی از ۱۸۹۰ تا ۲۰۲۳» مورد بررسی قرار دادند تا ببیند چگونه تکامل یافته و آیا حکمروایی جزء مهمی در این تحول است یا خیر. مهم‌ترین یافته این بود که بین سال‌های ۱۸۹۰ و ۱۹۸۰ مدیریت دولتی از «مدیریت عمومی سنتی» به «مدیریت عمومی جدید» به دلیل نیاز روزافزون به حکمروایی تغییر کرد. سال ۲۰۰۰ شاهد تولد ایده جدیدی در مدیریت دولتی بود که با نام «حکمروایی عمومی جدید» شناخته می‌شود؛ که چگونه تکامل مدیریت دولتی دولت‌ها را تشویق می‌کند تا بیشتر شبیه شرکت‌های خصوصی عمل کنند.

اربابی سبزواری و هاشمی‌نسب (۱۴۰۰) پژوهشی با عنوان «طراحی مدل یکپارچه حکمروایی و مدیریت بحران در کلان‌شهرها (مورد مطالعه: شهر تهران)» را با هدف شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های حکمروایی و مدیریت بحران با تکنیک غربالگری فازی و وزن‌دهی و اولویت‌بندی هر یک از آن‌ها، با تکنیک فرایند تحلیل شبکه‌ای، انجام دادند. همچنین تحلیل نقش این ابعاد و مؤلفه‌ها در نظام مدیریت و برنامه‌ریزی شهری، شهرداری تهران می‌باشد. نتایج پژوهش نشان داد بحران مدیریتی و سوءمدیریت در رتبه اول، بحران اقتصادی در رتبه دوم، و بقیه موارد در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند.

فیروزنیا و همکارانش (۱۴۰۱) مقاله‌ای با نام «ارائه مدل حکمروایی یکپارچه روستایی- شهری (مطالعه موردی: شهرستان‌های حوزه شمالی استان ایلام)» به نگارش درآوردند. بررسی ضرایب مسیر نشان می‌دهد تعامل و پیوند میان مدیریت روستایی و شهری (هم‌افزایی) با ضریب ۰/۸۵۴ بیشترین امتیاز و شاخص انسجام فضایی با ضریب ۰/۸۳۹ و انسجام ترکیب‌نگری با ضریب ۰/۷۹۱ به ترتیب امتیاز دوم و سوم را از نظر میزان اثرگذاری بر شکل‌گیری حکمروایی یکپارچه روستایی- شهری به خود اختصاص می‌دهند. پس از آن‌ها شاخص مشارکت‌جویی با ۰/۷۷۰، شاخص اجماع‌گرایی با ۰/۷۲۸، شاخص پاسخگویی با ۰/۶۹۶،

1. Tyminskyi
2. mobilization
3. assembling
4. assembling urbanism framework
5. integrated urban development
6. Barbier

شاخص مسئولیت‌پذیری با ۰/۶۷۸، شاخص شفافیت با ۰/۶۳۷، و شاخص عدالت و برابری با ۰/۶۰۴ به ترتیب در جایگاه چهارم تا نهم میزان تأثیرگذاری بر شکل‌گیری حکمروایی یکپارچه روستایی- شهری قرار دارند. در جمع‌بندی مطالعات انجام‌شده و ارتباط آن با بحث در مورد طراحی مدل حکمروایی یکپارچه منطقه‌ای به شرح مقیاس‌های فضایی، سطوح حکمروایی، چارچوب‌های زمانی آن و همچنین با روش‌های کمی به رتبه‌بندی شاخص‌های مؤثر در شکل‌گیری حکمروایی یکپارچه پرداخته شده است. لیکن مدلی برای استقرار حکمروایی منطقه‌ای با روش کیفی و تعریف و تدوین مکانیسم‌های مؤثر ارائه نشده است و این پژوهش درصدد پر کردن این خلأ است.

روش و ابزار تحقیق

رویکرد این پژوهش کیفی است و با روش گراند تئوری انجام شده است. پژوهش کیفی فرایندی پیچیده است که انجام دادن آن مستلزم صرف وقت نسبتاً طولانی است و داده‌ها به روش استنباط استقرایی تحلیل می‌شوند (دانایی فر و همکاران، ۱۳۸۳: ۵۴). روش گراند تئوری یک شیوه پژوهش کیفی است که به وسیله آن با استفاده از یک دسته داده‌ها نظریه‌ای تکوین می‌یابد. روش نظریه داده‌بنیاد معمولاً به سه شیوه اجرا می‌شود: شیوه سیستماتیک، شیوه نواخته، شیوه سازگرا. در این تحقیق از روش سیستماتیک که به استراوس و کوربین نسبت داده می‌شود برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شد. روش سیستماتیک دارای سه مرحله اصلی کدگذاری باز، کدگذاری محوری، کدگذاری انتخابی است.

جامعه آماری این پژوهش شامل متخصصان و مدیران وزارتخانه‌های سطح کلان و سطح خرد با توجه به سوابق علمی و تجربی آن‌ها در ارتباط با چالش‌های مدیریت و حکمروایی منطقه‌ای است که به روش گلوله برفی (ارجاع زنجیره‌ای) انتخاب شدند. در این مطالعه با پانزده نفر مصاحبه انجام شد؛ شامل چهار نفر از معاونان وزیر راه و شهرسازی با مدرک دکترا و کارشناسی‌ارشد، سه شهردار با مدرک دکترا، چهار نفر از استادان دانشگاه با مدرک دکترا، چهار مهندس مشاور با مدرک کارشناسی‌ارشد. از مصاحبه هفتم به بعد تکرار اطلاعات دریافتی مشاهده شد و از مصاحبه یازدهم به بعد داده‌ها کاملاً تکراری بودند و اشباع نظری به دست آمد. اما، برای اطمینان، کار تا مصاحبه پانزدهم ادامه یافت. مصاحبه‌های عمیق با طرح سؤالاتی در مورد «طراحی مدلی برای استقرار حکمروایی یکپارچه منطقه‌ای در ایران» آغاز می‌شد و باقی پرسش‌ها بر اساس پاسخ‌های مصاحبه‌شونده طرح می‌شد.

برای اعتبارسنجی مصاحبه‌های انجام شده از روش پیشنهادی هولستی استفاده شد. کدگذاری دو بار انجام گرفت و «درصد توافق مشاهده شده» ۰/۷۷ بدست آمد که از ۰/۶ بیشتر بوده و مقدار قابل قبولی است (Holsti, 1969).

یافته‌های پژوهش

از نظر حکمروایی منطقه‌ای، پویایی منطقه‌ای صرفاً به عنوان کار دولت حاکم و مقتدر و در قالب یک کارکرد مدیریتی دیده نمی‌شود. از این نظر، منطقه باید در بطن شرایط علمی و سیاسی به عنوان محتوایی اجتماعی دیده شود که در آن همکاری و خودسازماندهی دموکراتیک اتفاق می‌افتد. در این صورت سیاست منطقه‌ای شکل تعاونی و اختیار تصمیم‌گیری سیاست‌ها را بازگو می‌کند. از این رو، مسئولیت سیاسی برای مناطق صرفاً از طریق سطوح اجرایی و مرزها (همانند بخش‌های حکومتی) تعریف نمی‌شود، بلکه این مسئولیت از طریق حکمروایی منطقه‌ای تعریف می‌شود که منطقه را به عنوان فضای فعال همکاری^۱ و یکپارچه بین بازیگران می‌بیند.

با توجه به یافته‌های پژوهشی با نام «تبیین موانع و چالش‌های استقرار حکمروایی یکپارچه منطقه‌ای در ایران» از نویسندگان مقاله حاضر، متن تبلور مدیریت بخشی، نظام غیر متراکم محدود، تمرکزگرایی سیاسی- اداری، الگوی فضایی قطبی، وجود انواع

۱. عملیاتی کردن همکاری برای تحقق بخشیدن به حکمروایی منطقه‌ای از طریق ابزارها و سیاست‌های مختلف صورت گرفته است. یکی از مثال‌های برجسته و تجربی، اما ساده و عملیاتی در این مورد، در آلمان به عنوان مناطق فعال (active regions) تعریف شده است. مفهوم مناطق فعال مثالی از حکمروایی یکپارچه در توسعه منطقه‌ای است. مفهوم مناطق فعال اشاره به همکاری بازیگران منطقه‌ای در تصمیم‌گیری، شبکه‌سازی بازیگران منطقه‌ای، و شراکت گروه‌های بخش عمومی و مردمی و حکومت محلی دارد (Bocher, 2005).

تفرق‌ها، ساختار فضایی غیر منسجم و واگرا، بی‌توجهی به ساخت اجتماعی- فرهنگی، ضعف در ایجاد نهادهای منطقه‌ای، بی‌توجهی به ایجاد هویت منطقه‌ای و ناپایداری زیست‌محیطی و ایجاد شرایط فوق بحرانی در مناطق؛ **اقتصاد سیاسی رانتی** با ساختار غیر منعطف، بسته، واگرا و متفرق ... است. در مقابله با وضع موجود، **مدیریت فضایی** که نتیجه یافته‌های مقاله مذکور می‌باشد طبقه‌محوری است که به طراحی مکانیسم‌هایی به منظور استقرار حکمروایی یکپارچه منطقه‌ای در ایران می‌پردازد.

۱. بستر حاکم بر مکانیسم‌های طراحی مدل استقرار حکمروایی یکپارچه منطقه‌ای در ایران

مجموعه مباحث و رویکردهای مختلف نظری در خصوص ضرورت، ماهیت، شکل، و فرایندهای شکل‌گیری منطقه و چگونگی اداره آن‌ها از یک سو و ضرورت‌های تجربی و عملی اداره آن‌ها از سوی دیگر باعث شده‌اند روندی جدید از هدایت، نهادسازی، و مدیریت فضایی جهت استقرار حکمروایی یکپارچه منطقه‌ای شکل بگیرد. این روند بر لزوم وجود یک چارچوب ملی روشن از روابط بین حکومتی دلالت دارد و مبین انگیزه‌ها و الزام پاسخگویی در همه سطوح حکومت است. این روند جدید بر ایجاد سازمان سیاسی و اقتصادی مبتنی بر حکمروایی یکپارچه منطقه‌ای معطوف است و این گرایش بر آن است که سیر تحول اقتصادی و سیاسی این مجموعه‌ها قابل درک نخواهد بود، مگر آنکه روابط و تعامل آن‌ها با سلسله‌مراتب و مقیاس‌های سرزمینی پیچیده مؤثر بر آن‌ها هم درک شوند. این سازمان‌یابی جدید از نوع حکومت همه سلسله‌مراتب درهم‌آمیخته مقیاس‌های سرزمین، فعالیت اقتصادی، و روابط حاکمیتی را در بر می‌گیرد. در واقع حکمروایی یکپارچه منطقه‌ای بیانگر سلسله‌مراتب فضایی از مقیاس ملی تا مقیاس محلی است. روشن است که چنین سازمان جدید و پیچیده‌ای برای ترکیب سه عنصر فضا (ساختار کالبدی و زیست‌محیطی)، اقتصاد، و حاکمیت با چالش‌های عمده‌ای هم مواجه خواهد بود. بنا بر مراتب یادشده و نظر خبرگان، بستر حاکم جهت طراحی مدل استقرار حکمروایی یکپارچه منطقه‌ای در ایران به وسیله طراحی مکانیسم‌های نهادی- قانونی، طراحی مکانیسم‌های اقتصادی و طراحی مکانیسم‌های زیست‌محیطی عملیاتی می‌شود.

۱.۱. طراحی مکانیسم‌های نهادی- قانونی مدل استقرار حکمروایی یکپارچه منطقه‌ای در ایران

استقرار حکمروایی یکپارچه منطقه‌ای در ایران در گام نخست مبتنی بر طراحی مکانیسم‌های نهادی- قانونی و شکل‌گیری نهادها و تدوین قوانین ناظر بر آن است. در همین ارتباط مکانیسم‌های نهادی- قانونی که از طریق جلب مشارکت و همکاری همه نیروهای عملکردی، سطوح جغرافیایی و جایگزینی هم‌گرایی به جای تفرق و واگرایی زمینه توسعه پایدار، مناطق انسان- محور و سازمان فضایی- کالبدی کارآمد در این چارچوب را فراهم کند.

بنابراین، بر اساس نظر پنل خبرگان، گزاره‌های ضرورت اصلاح ساختار نهادی در سطوح ملی و منطقه‌ای، رفع تفرق نهادی، ضرورت مشارکت بخش‌های خصوصی و غیر دولتی و نهادهای مردمی، رفع ابهام در جایگاه قانونی مسئولیت و نحوه تهیه و نظارت بر طرح‌های منطقه‌ای و آمایشی، ایجاد ساز کارهای قانونی برای حل اختلاف و ایجاد هم‌افزایی بین مناطق کشور و نیز در سطح ملی با شفافیت قوانین و مقررات کهنه و مبهم و ناهمپوشان بعد مدیریتی حکمروایی یکپارچه منطقه‌ای تحقق می‌یابد. در صورت طراحی و اجرای صحیح مکانیسم‌های نهادی- قانونی در واقع به نیروها و عناصر مؤثر و متکثر در سازمان اجتماعی و توانمند شدن آن‌ها برای تأثیرگذاری در فرایند سیاسی و اجتماعی و نفوذ در نهادهای تصمیم‌گیری در مقابل سازمان اجتماعی تک‌ساختی متکی بر دولت یک فرم جدید از سازمان سیاسی و حکومت را ایجاد می‌کند که بتواند تعادل چندوجهی بین این عناصر و نیروهای متکثر را به نفع کارایی و توسعه پایدار محلی برقرار سازد.

۱.۲. طراحی مکانیسم‌های اقتصادی مدل استقرار حکمروایی یکپارچه منطقه‌ای در ایران

یکی دیگر از مکانیسم‌های استقرار حکمروایی منطقه‌ای در ایران طراحی مکانیسم‌های اقتصادی است. برای نیل به این مقصود، گذار از اقتصاد سیاسی رانتی به اقتصاد سیاسی نهادگرا ضروری است. مناطق از طریق تأکید بر ویژگی‌های کارکردی و اقتصادی خاص خود در شبکه‌های ملی و فراملی باید به اثبات مزیت‌ها و توان‌های خود بپردازند. در حالی که ساختار اقتصاد سیاسی رانتی این پویا اقتصاد اجتماعی نهادگرا را از مناطق سلب می‌کند.

به منظور طراحی مکانیسم‌های اقتصادی جهت استقرار حکمروایی یکپارچه منطقه‌ای در ایران، طبق نظر خبرگان، این گزاره‌ها ضرورت ایجاد منابع مالی پایدار و مطمئن مدیریت‌های محلی، احیا و تقویت اقتصاد اجتماعی مناطق، برقراری عدالت منطقه‌ای، تعریف پایه اقتصادی برای طرح‌های توسعه، لزوم کاربست نگرش مزیت رقابتی بر اساس سیستم ارزش (تکمیل زنجیره تولید و مصرف و تأمین) معرفی شد.

از آنجا که حکمروایی یکپارچه حتی اقتصاد را با متن و بستر اجتماعی می‌خواهد، پیوندهای مؤثر اجتماعی میان انسان‌ها و پیوندهای همکاری اقتصادی از طریق شبکه‌های رسمی و غیر رسمی می‌تواند مشوق اقتصادهای خرد محلی با کارایی بیشتر و بازتولید سرمایه و توسعه محلی باشند.

ناگفته نماند چگونگی تقویت جاذبه‌های اقتصادی و سرمایه‌پذیری منطقه و تقویت رقابت‌های درون منطقه‌ای بین اجتماعات محلی در چارچوب اصول و قواعد توسعه پایدار و بازی اقتصادی جوانمردانه از چالش‌های اقتصادی پیچیده فراروی مدیریت و حکمروایی منطقه‌ای است.

۳.۱. طراحی مکانیسم‌های زیست‌محیطی

بنا بر مکانیسم‌های مؤثر در بخش بستر حاکم، طراحی مکانیسم‌های زیست‌محیطی از آنجا که با شاخص بقا ارتباط مستقیم دارد نقش حیاتی در استقرار حکمروایی یکپارچه منطقه‌ای دارد. بدین معنا که منطقه یک چشم‌انداز فضایی است که پایداری در قالب آن تجربه می‌شود یا حداقل واقع‌گرایانه‌ترین مقیاس برای ایجاد پایداری نسبت به مقیاس‌های فضایی دیگر است. به منظور استقرار حکمروایی یکپارچه منطقه‌ای در ایران بر اساس نظر خبرگان طراحی و تنظیم مکانیسم‌های زیست‌محیطی با گزاره‌های کاربست نگرش توسعه پایدار، کاربست نگرش ECO2 در منطقه‌بندی‌ها، و ایجاد زیست‌بوم منطقه‌ها لازم و ضروری است.

چالش‌های اکولوژیکی مناطق برآیند رویکردهای سنتی نظام مدیریتی کشور هستند که به صورت اساسی مانع توسعه پایدار منطقه‌ای می‌شوند. بنابراین، بعد از طرح مباحث توسعه پایدار، استراتژی‌های توسعه منطقه‌ای به گونه‌ای تعریف شده‌اند که هر سه بعد توسعه، یعنی ابعاد اقتصادی و اجتماعی و زیست‌محیطی، را در بر داشته باشند. رویکرد حکمروایی می‌تواند با نیروهای درونی در توسعه اقتصاد منطقه‌ای پیوند داده شود. در این رویکرد، ظرفیت نهادها به عنوان اجزای ضروری در توسعه اقتصادی منطقه‌ای دیده می‌شود. در چارچوب این رویکرد عوامل و پیش‌برندگان کلیدی توسعه پایدار مشارکت و توانمندسازی هستند.

در نتیجه حکمروایی یکپارچه منطقه‌ای در ایران با بعد زیست‌محیطی می‌توان به اصلاح رابطه انسان با محیط، افزایش ظرفیت‌های نهادی از طریق مدیریت نیروهای کلیدی در توسعه اقتصادی با زمینه پایداری، مشارکت و توانمندسازی اجتماعی، انسجام بخشیدن به ساختار منطقه‌ای، و هویت‌بخشی به آن در جهت توسعه پایدار منطقه‌ای قدم گذارد.

۲. مکانیسم‌های مداخله‌گر بر طراحی مدل استقرار حکمروایی یکپارچه منطقه‌ای در ایران

به منظور طراحی مدل استقرار حکمروایی یکپارچه منطقه‌ای در ایران، شرایط مداخله با مصاحبه نیمه‌ساختاریافته از مصاحبه‌شوندگان در قالب دو مکانیسم اصلاح سیستم آموزشی و مکانیسم اصلاح ساختار فرهنگی جمع‌بندی شد. این دو مکانیسم با تأثیر بر بستر حاکم و راهبردها می‌توانند موجب تسهیل در فرایند استقرار حکمروایی یکپارچه منطقه‌ای شوند.

۲.۱. طراحی مکانیسم‌های اصلاح سیستم آموزشی بر طراحی مدل استقرار حکمروایی یکپارچه منطقه‌ای در ایران

طراحی مکانیسم‌های اصلاح سیستم آموزشی با گزاره‌های تغییر شیوه‌های آموزش مدیران و کارشناسان، ارائه آموزش‌های ارتباط-محور و تعاملی بین مدیران، ایجاد هم‌پیوندی بین دانشگاه و سازمان‌های اجرایی، کاربست نگرش آمایشی در سیستم آموزش عالی، اصلاح ساختار تخصصی نیروی انسانی در سطح منطقه، توجه به آموزش شهروندان، مدیران، و کارکنان نهادهای خدمات‌رسان تبیین شده است. از بین گزاره‌های یادشده، نظر خبرگی مصاحبه‌شوندگان، بر کاربست نگرش آمایشی در سیستم آموزش عالی و اصلاح ساختار تخصصی نیروی انسانی در سطح منطقه تأکید نموده‌اند.

مکانیسم اصلاح سیستم آموزشی به فرایند توسعه اقتصادی، در واقع، فرایند حرکت از مجموعه‌ای از دارایی‌های مبتنی بر

تولیدات بخش اول (که با نیروی کار غیر ماهر مورد بررسی قرار می‌گیرد) به سوی مجموعه‌ای از دارایی‌های دانش‌بنیان (که به وسیلهٔ نیروی کار ماهر تولید می‌شود و مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد) اشاره دارد. بر این اساس حکمروایی یکپارچه منطقه‌ای با اصلاح و تقویت نهادها نقش مهمی در پرورش محیط‌های سرشار از دانش محلی و منطقه‌ای ایفا می‌کند. بدین طریق فرایند یادگیری جمعی و شکل‌گیری مای منطقه‌ای و بلوغ عملکردی در این بستر به منصفه ظهور می‌رسد.

۲.۲. مکانیسم‌های اصلاح فرهنگ و طراحی مدل استقرار حکمروایی یکپارچه منطقه‌ای در ایران

مکانیسم اصلاح فرهنگ در استقرار حکمروایی یکپارچه منطقه‌ای، به عنوان خمیرمایهٔ روش‌های تفکر و روش‌های سازماندهی موضوعات غامض روابط قدرت، همواره نقش مهمی را ایفا می‌کند. این مکانیسم با گزاره‌های آگاه‌سازی و مشارکت‌پذیری اجتماعات محلی، طراحی و تنظیم فرهنگ برنامه‌پذیری و برنامه‌محور بودن، احیای فرهنگ اعتماد در سطح اجتماعات محلی، طراحی و تنظیم فرهنگ شفافیت و ارائهٔ تصویر مثبت از همکاری‌های بین ساختار سیاسی و مردم توسط مصاحبه‌شوندگان دسته‌بندی مفهومی شد. گفتنی است طراحی و تنظیم فرهنگ برنامه‌پذیری و برنامه‌محور بودن و احیای فرهنگ اعتماد در سطح اجتماعات محلی جزء گزاره‌های مهم و مورد تأکید آن‌ها بوده است.

در واقع حکمروایی یکپارچه منطقه‌ای به دنبال پذیرش همهٔ اجتماعات محلی در عین تصدیق تنوع فرهنگی آنان است. استقرار این بستر از طریق ظرفیت‌سازی و تدوین مکانیسم‌های ضروری آگاه‌سازی، شفافیت، اثربخشی، و پاسخگویی برای توزیع و اعمال قدرت متوازن توسط همهٔ عوامل و کنشگران از حوزه‌های مختلف دولتی و عمومی و خصوصی عملی است.

۳. راهبردهای (کنش‌ها و تعاملات) طراحی مدل استقرار حکمروایی یکپارچه منطقه‌ای در ایران

راهبردها که شامل کنش‌ها و تعاملات بین مکانیسم‌های طراحی شده در بستر حاکم و شرایط مداخله‌گر هستند بیانگر رهیافت‌های برون‌رفت از چالش‌های موجودند. در خصوص طراحی مدل استقرار حکمروایی یکپارچه منطقه‌ای در ایران بر اساس یافته‌های گردند تئوری، منتج از نظر خبرگی مصاحبه‌شوندگان، طراحی مکانیسم اصلاح ساختار نظام مدیریت با رویکرد یکپارچه‌سازی جمع‌بندی پیمایشی شد.

۳.۱. طراحی مکانیسم اصلاح ساختار نظام مدیریت با رویکرد یکپارچه‌سازی

بنا بر مراتب یادشده، طراحی مکانیسم اصلاح ساختار نظام مدیریت برآیندی از کنش‌ها و تعاملات بین مکانیسم‌های بستر حاکم و مکانیسم‌های شرایط مداخله‌گر توسط مصاحبه‌شوندگان دسته‌بندی مفهومی شد.

در این ارتباط مکانیسم‌های اصلاح ساختار نظام مدیریت با رویکرد یکپارچه‌سازی با گزاره‌های ارتقای نظام ارزشیابی و پایش منطقه‌ای، توسعهٔ ساختار افقی منطقه (اجتماعی‌سازی منطقه)، پایدارسازی درآمدهای منطقه‌ای بر اساس مزیت رقابتی، ارتقای ظرفیت نهادی و قانونی منطقه‌ای، حفظ سیستم پشتیبان حیات، و ایجاد سند راهبردی مدیریت فضایی منطقه‌ای قابل تحقق و حصول است. قلمروهای سیاسی چندگانه با وجود ذی‌نفعان متعدد و عدم تطبیق قلمروهای عملکردی با قلمروهای سیاسی-اداری مصوب و ناپایدار زیست‌محیطی منطقه‌ای، به‌ویژه در منابع آب، را می‌توان عمده‌ترین چالش‌های ادارهٔ مناطق در ایران دانست.

۳.۲. پیامدهای طراحی مدل استقرار حکمروایی یکپارچه منطقه‌ای در ایران

پیامد اصلی کاربست راهبرد یکپارچه‌سازی در ساختار مدیریت طراحی مدل استقرار حکمروایی یکپارچه منطقه‌ای در ایران است. گزاره‌های مورد اشارهٔ خبرگان شامل پایه‌گذاری برنامه‌ریزی ارتباطی و مشارکتی، بسیج منابع محلی با تکیه بر مزیت رقابتی، ایجاد حکمروایی محلی و شبکه‌ای، تعامل فعال بین ساختار افقی و عمودی مدیریت، بقا و پایداری سیستم پشتیبان حیات منطقه‌ای، منطقه‌ای کردن سیاست‌ها و راهبردها و طرح‌ها و برنامه‌ها، و شکل‌گیری هویت منطقه‌ای است. میان گزاره‌های نام‌برده، پایه‌گذاری برنامه‌ریزی ارتباطی و مشارکتی، رقابتی کردن فضای اقتصادی مناطق، و تضمین بقا و پایداری زیست‌محیطی از اهمیت بیشتری برخوردار است.

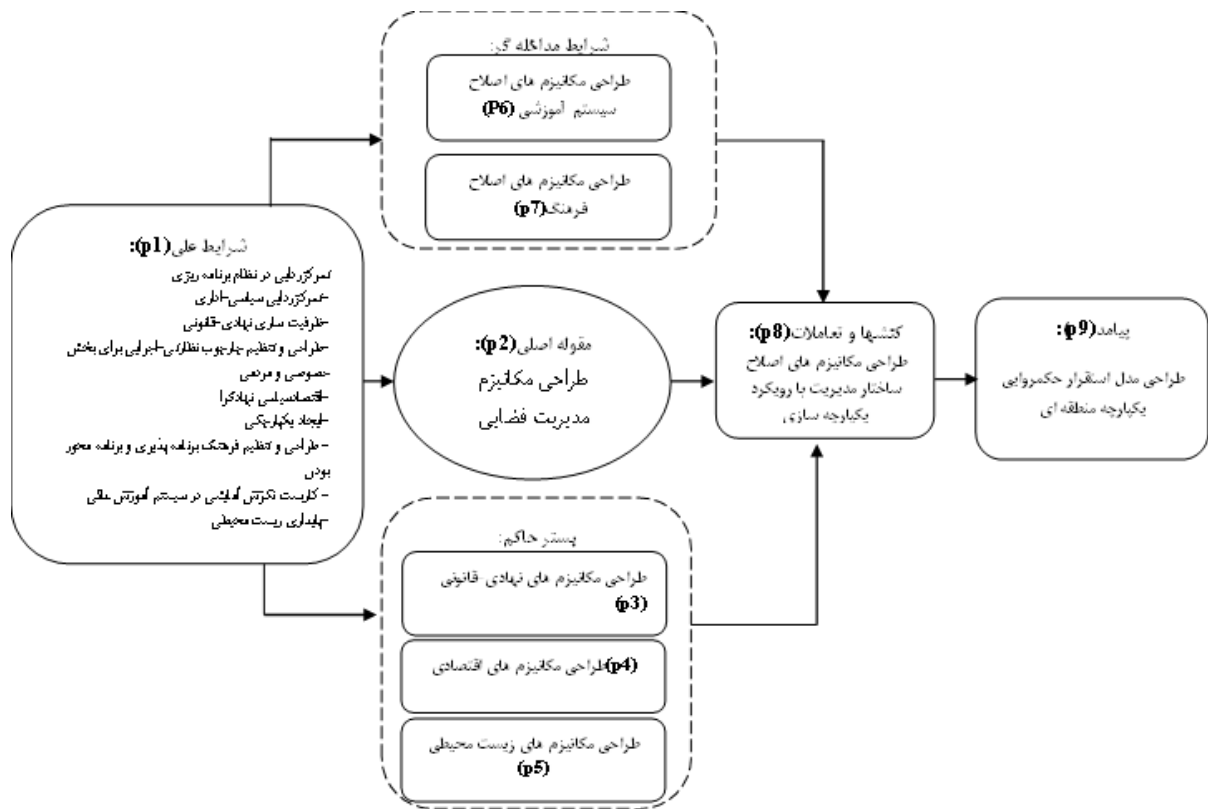


شکل ۱. کدگذاری محوری مدل استقرار حکمروایی یکپارچه منطقه ای در ایران

بخش سوم. ارائه مدل پارادایمی استقرار حکمروایی یکپارچه منطقه ای در ایران

ارائه مدل پارادایمی روند انتخاب مقوله اصلی با عنوان مدیریت فضایی به طور منظم و سیستماتیک با سایر مقوله ها و اعتبار بخشیدن به روابط و پر کردن جاهای خالی با مکانیسم هایی مانند مکانیسم نهادی- قانونی، مکانیسم اقتصادی، مکانیسم زیست محیطی، مکانیسم سیستم آموزشی، و مکانیسم فرهنگ که نیاز به اصلاح و گسترش دارند. این روند شامل چند گام است. اولین گام متضمن توضیح خط اصلی داستان و گام دوم ربط دادن مکانیسم های تکمیلی حول محور اصلی (مدیریت فضایی) با استفاده از پارادایم (که در شکل ۲ توصیف شده است) است. گام سوم مرتبط ساختن مکانیسم ها به یکدیگر در سطح بعدی و گام چهارم به تأیید رساندن آن روابط در قبال داده هاست. آخرین گام تکمیل مکانیسم هایی است که نیاز به اصلاح یا بسط و گسترش دارند. با توجه به شرایط موجود ایران، که در بالا به آن اشاره شد، گام ابتدایی ورود به حکمروایی یکپارچه منطقه ای مدیریت فضایی است که این امر با توجه به شکل ۲ با بسترها و شرایط مداخله گر و پیش شرط هایی محقق می شود که پیامد این تحقق استقرار

حکمروایی یکپارچه منطقه‌ای است. همچنین، از مکانیسم‌های مهمی که می‌تواند تسهیل‌کننده این امر باشد مکانیسم‌های نهادی- قانونی است.



شکل ۲. مدل پارادایمی استقرار حکمروایی یکپارچه منطقه‌ای در ایران

مفروضه (P: Proposition)

- (1 P) استقرار حکمروایی یکپارچه منطقه‌ای مرهون تغییر ساختار بخشی به میان‌بخشی و فرابخشی.
 - (2 P) کاربست مدیریت فضایی گام ضروری حکمروایی یکپارچه منطقه‌ای است.
 - (3 P) با اصلاح ساختارهای حاکم در همه ابعاد به‌ویژه نهادی در مدیریت منطقه‌ای ایران می‌توان تحولات اساسی ایجاد کرد.
 - (4 P) اصلاح سیستم آموزش با کاربست نگرش آمایشی در سیستم آموزش عالی ایران لازمه رسیدن به پارادایم راهبردی- فضایی است.
 - (5 P) فرهنگ‌سازی با هدف مؤلفه‌سازی مشارکت‌پذیری و برنامه‌پذیری راه رسیدن به اجتماعات پایدار محلی و بسیج منابع محلی است.
 - (6 P) استقرار حکمروایی یکپارچه منطقه‌ای تابع کاربست نگرش راهبردی- فضایی است. این امر در ایران از طریق بسترسازی نهادی و قانونی امکان‌پذیر است.
 - (7 P) تعریف مکانیسم‌های اقتصادی مبتنی بر مزیت‌های رقابتی مناطق مقدمه دستیابی به موفقیت‌های اقتصادی منطقه‌ای در ایران است.
 - (8 P) حفظ سیستم‌های پشتیبان حیات منطقه‌ای از اهداف اصلی حکمروایی یکپارچه منطقه‌ای است.
 - (9 P) طراحی و استقرار فرایند مدل حکمروایی یکپارچه منطقه‌ای نتیجه طراحی مکانیسم‌های یادشده است.
- شرایط علی (P1) که منجر به استقرار حکمروایی یکپارچه منطقه‌ای می‌شود با گزاره‌هایی مانند تمرکززدایی در نظام برنامه‌ریزی، تمرکززدایی سیاسی- اداری، ظرفیت‌سازی نهادی- قانونی، طراحی و تنظیم چارچوب نظارتی- اجرایی برای بخش

خصوصی و مردمی، اقتصاد سیاسی نهادگرا، ایجاد یکپارچگی، طراحی و تنظیم فرهنگ برنامه‌پذیری و برنامه‌محور بودن، کاربرد نگرش آمایشی در سیستم آموزش عالی، و پایداری زیست‌محیطی به طور مستقیم بر مقوله اصلی مدیریت فضایی (P2) تأثیر می‌گذارد. در لایه بعدی بر بستر حاکم با طراحی مکانیسم‌های نهادی-قانونی (P3)، طراحی مکانیسم‌های اقتصادی (P4)، و طراحی مکانیسم‌های زیست‌محیطی تأثیرگذار است. در سطح بعدی بر شرایط مداخله‌گر با طراحی مکانیسم‌های اصلاح سیستم آموزشی (P6) و طراحی مکانیسم‌های اصلاح فرهنگ (P7) اثرگذار است. در گام بعد، همه این سطوح به کنش‌ها و تعاملات با طراحی مکانیسم‌های اصلاح ساختار مدیریت با رویکرد یکپارچه‌سازی (P8) می‌رسد. و در نهایت مدل استقرار حکمروایی یکپارچه (P9) تحقق می‌یابد.

نتیجه

همه کشورهای جهان از نظر نقش و تأثیر در سطح بین‌الملل یکسان نیستند. بعضی کشورها بازیگران فعال و نیمه‌فعال هستند و بعضی به صورت خنثی در سطح بین‌الملل ظاهر می‌شوند. زمانی که وارد فرایند فضای جریان‌های جهانی، که نتولیرالیسم با سازکارهایی چون اقتصاد سیاسی نهادگرا، حکمروایی یکپارچه منطقه‌ای، اقتصاد بی‌وزن، و ... هدایت می‌کند کشورهای درگیر، دستاوردهای متفاوتی را به دست می‌آورند؛ طوری که سود و انتفاع اصلی مشمول بازیگران اصلی می‌شود که قواعد بازی را تنظیم می‌کنند و به اصطلاح برنده-برنده هستند. درحالی‌که باقی کشورها فراخور ضریب تأثیر بین‌المللی خود مشمول انتفاع کمتر یا حتی در انتها بازنده-برنده هستند.

بر اساس جمع‌بندی نظری و نتایج نظر پند تخصصی، به منظور طراحی مدلی برای استقرار حکمروایی یکپارچه منطقه‌ای در ایران به تعریف مکانیسم‌هایی نیاز است. ابتدا شرایطی که موجب این امر می‌شود با گزاره‌هایی مانند تمرکززدایی در نظام برنامه‌ریزی، تمرکززدایی سیاسی-اداری، و ... تدوین شد که به طور مستقیم بر مقوله اصلی «مدیریت فضایی» تأثیر می‌گذارد. در لایه بعدی، بستر حاکم با تعریف مکانیسم‌های نهادی-قانونی، اقتصادی، و زیست‌محیطی؛ در سطح بعدی، شرایط مداخله‌گر با تعریف مکانیسم‌های اصلاح سیستم آموزشی و اصلاح فرهنگ؛ در سطح بعد، همه این سطوح با تعریف مکانیسم‌های اصلاح ساختار مدیریت با رویکرد یکپارچه‌سازی می‌تواند ساختارهایی برای تحقق مدل استقرار حکمروایی یکپارچه در ایران ایجاد کند. بنابراین حکمروایی یکپارچه منطقه‌ای سیستم‌های چندسطحی مدیریتی با پیکربندی‌های پیچیده‌ای هستند که از اتصال ساختارها و مکانیسم‌هایی در سطوح و بین سطوح ایجاد می‌شوند. از آنجا که این ساختارهای سیاستی-مدیریتی متعدد و اغلب پراکنده‌اند، ظاهراً معماری منظمی ندارند؛ در صورتی که از نظمی درونی برای توسعه منطقه‌ای برخوردارند.

در انتها مقایسه‌ای از مطالعات انجام‌شده ارائه می‌شود مبنی بر اینکه مطالعات در بخش‌های نظری و عملی صورت گرفته است. مطالعات نظری چرخش از حکمرانی و حکمروایی سنتی به سمت حکمروایی نوین بوده است و مطالعات عملی‌تر به شناسایی ابعاد و مؤلفه‌ها با روش‌های کمی و در سطح خرد پرداخته‌اند. در صورتی که این پژوهش سطحی بالاتر را مورد کنکاش قرار داده است و به تعریف مکانیسم‌هایی پرداخته که شاخص‌های خردتر در مطالعات موجود را در دل خود دارند. این پژوهش با دید همه‌جانبه‌نگر موجب ایجاد بینشی جدید از موضوع می‌شود که در سطح خرد می‌تواند راهنما باشد.

پیشنهاد

بنا بر مراتب فوق، نگارندگان معتقدند به‌رغم جمع‌بندی نظری و نتایج پند خبرگان بر کاربرد حکمروایی یکپارچه منطقه‌ای در ایران، با توجه به این نکته که ایران به طور رسمی وارد شبکه‌های اقتصادی نتولیرالیستی-مثل سازمان تجارت جهانی (WTO) و سایر نهادهای بین‌المللی و منطقه‌ای آن-نشده در عمل سطح کلان و متعاقب آن سطح خرد شکل نگرفته است. پیشنهادهای ارائه‌شده به منظور گام‌های ابتدایی برای استقرار حکمروایی یکپارچه منطقه‌ای در نظر گرفته شده است:

- ایجاد نهادهایی در سطوح خرد و کلان منطقه‌ای و بسترسازی در جهت یکپارچگی نهادی؛
- اصلاح و تعدیل نظام قدرت و تصمیم‌گیری منطقه‌ای به نفع یکپارچگی نظام مدیریتی در ایران؛

- تأکید بر وجود یک مرکز (نهاد) یکپارچه‌کننده و هماهنگ‌کننده سیاستگذاری و برنامه‌ریزی منطقه‌ای به منظور کاهش تفرق‌ها؛
 - واگذاری و تفویض قدرت و اختیار منطقه‌ای به سطوح خرد و کلان منطقه‌ای برای چرخش از حکمرانی به حکمروایی یکپارچه منطقه‌ای؛
 - اصلاح روابط نهادهای منطقه‌ای در جهت تعامل، همکاری، هماهنگی، و یکپارچگی؛
 - تهیه و تدوین قوانین و مقررات جدید منطقه‌ای که تفکر تک‌بعدی را در جهت تفکر چندبعدی تغییر دهد.
- با توجه به پیشنهادهای ارائه‌شده از نظر نویسندگان آنچه در اجرای حکمروایی یکپارچه منطقه‌ای در ایران در دو سطح کلان و خرد مهم است این است که بدون تدقیق و تبیین جهان‌بینی و فلسفه اقتصاد سیاسی بر اساس ظرفیت اقتصادی، دانش بومی، ساختار اجتماعی، توان طبیعی و علایق مردمی حکمروایی یکپارچه منطقه‌ای در ایران امکان‌پذیر نخواهد بود.

منابع

- آشناور، محسن؛ واشقانی فراهانی، ابراهیم و ربیعی فرداد، ابوالفضل (۱۴۰۰). مطالعه موانع و چالش‌های زمینه‌ای فراروی حکمروایی و مدیریت شهرها در ایران. *جغرافیا و روابط انسانی*، د ۴، ش ۳، ۱۸ - ۳۱.
- ابدالی، افشار؛ ذبیحی، حسین و ماجدی، حمید (۱۳۹۸). تبیین چارچوب مفهومی حکمروایی خوب شهری مبتنی بر مدیریت یکپارچه شهری (نمونه موردی: کلان‌شهر تهران). *نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی (جغرافیای انسانی)*، ۱۲(۱)، ۲۹۳ - ۳۰۹.
- اربابی سبزواری، آ. و هاشمی‌نسب، س. (۱۴۰۰). طراحی مدل یکپارچه حکمروایی و مدیریت بحران در کلان‌شهرها (مورد مطالعه: شهر تهران). *رویکردهای پژوهشی نوین مدیریت و حسابداری*، ۵(۱۷)، ۱ - ۲۲.
- دانایی‌فرد، حسن؛ الوانی، سید مهدی و آذر، عادل (۱۳۸۳). روش‌شناسی کیفی تحقیق در مدیریت: نگاهی جامع. تهران: صفار.
- زیاری، کرامت‌اله و گودرزوند چگینی، رقیه (۱۴۰۲). تبیین علی موانع و چالش‌های استقرار حکمروایی یکپارچه منطقه‌ای در ایران. *آمایش جغرافیایی فضا*، دوره ۱۵ شماره ۱.
- فرجی‌راد، خدر (۱۳۹۰). تبیین رابطه ظرفیت نهادی و توسعه پایدار منطقه‌ای و ارائه یک چارچوب مناسب (مطالعه موردی: شهرستان‌های بوکان و ارومیه). *رساله دوره دکتری*. دانشگاه تربیت مدرس.
- فیروزنیا، قدیر؛ رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا و تیموریان، رؤیا (۱۴۰۱). ارائه مدل حکمروایی یکپارچه روستایی- شهری (مطالعه موردی: شهرستان‌های حوزه شمالی استان ایلام). *شهر پایدار*، ۵(۴)، ۱۰۷ - ۱۲۴.
- Abdali, A., Zabihi, H., & Majdi, H. (2018). Explaining the conceptual framework of good urban governance based on integrated urban management (case example: Tehran metropolis). *New Perspectives in Human Geography (Human Geography)*, 12(1), 293-309. (in Persian)
- Acharya, A. (2016a). Advancing global IR: Challenges, contentions, and contributions. *International Studies Review*, 18(1), 4-15.
- Acharya, A. (2007). The Emerging Regional Architecture of World Politics. *World Politics*, 59(4), 629-652.
- Arbabi Sabzevari, A. & Hashemi Nasab, S. (1400). Designing an integrated model of governance and crisis management in megacities (case study: Tehran). *Scientific Journal of New Management and Accounting Research Approaches*, 5(17), 1-22. (in Persian)
- Barbier, L. & Khan Tengeh, R. (2023). Literature Review of Public Administration and Good Governance from 1890 to 2023. *Jurnal Transformativ*, Vol. 9, No. 1, Tahun 2023. DOI: 10.21776/ub.transformativ.2023.009.01.3
- Bartley, T. (2018). Transnational corporations and global governance. *Annual Review of Sociology*, 44, 145-165.
- Danaei Fard, H. & Amai, S. M. (2016). Qualitative Research Strategies: A Reflection on Foundation Data Theorizing. *Strategic Management Thought*, Vol. 1, No. 2, 69-97. (in Persian)
- Danai-Fard, H., Alwani, S. M., & Azar, A. (2013). *Qualitative research methodology in management: a comprehensive view*. Tehran: Safar Publications. (in Persian)
- Faraji-Rad, Kh. (2018). Explaining the relationship between institutional capacity and regional sustainable development and providing a suitable framework (case study: Bukan and Urmia cities). *Doctoral Dissertation*. Tarbiat Modares University. (in Persian)
- Fawn, R. (2009). "Regions" and their study: Wherefrom, what for and whereto. *Review of International Studies*, 35(SI2), 5-34.
- Firoznia, Q., Ruknuddin Eftekhari, A., & Timourian, R. (1401). Presenting the rural-urban integrated governance model of a case study: the cities of the northern region of Ilam province. *Sustainable City Journal*, 5(4), 107-124. (in Persian)
- Garlick, S. (1997). Regional economic development: new partnership challenges for local government. In Dollery, B. and Marshall, N. (eds) *Australian Local Government: Reform and Renewal*. MacMillan Education, Melbourne, 276-293.
- Grigorescu, A. (2020). *The ebb and flow of global governance: Intergovernmentalism versus nongovernmentalism in world politics*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Hänggi, H., Roloff, R., & Rüländ, J. (2006). Interregionalism: A new phenomenon in international relations. In: H. Hänggi, R. Roloff, & J. Rüländ (eds). *Interregionalism and international relations*. London: Routledge, pp. 3-14.
- Haughton, G., Beer, A., & Maude, A. (2003). Understanding international convergence and divergence in local and regional economic development. In A. Beer, G. Haughton, & A. Maude (eds). *Developing Locally*. Policy Press, Bristol, 15-36.
- Hoffman, Aaron M. (2006). *Building Trust: Overcoming Suspicion in International Conflict*. Albany: State University of New York Press.

- Jessop, B., (2002). Liberalism, neoliberalism and urban governance: a state theoretical perspective. *Antipode*, 34, 452-472.
- Holsti, O.R. (1969). *Content Analysis for the Social Sciences and Humanities*. Reading, MA: Addison-Wesley.
- Kapucu, N. & Garayev V. (2016). Structure and network performance: horizontal and vertical networks in emergency management. *Administration & Society*, 48(8), 931-96.
- Keohane, R. (1984). *After Hegemony: Cooperation and Discord in the World Political Economy*. Princeton, NJ: Princeton Univ. Press.
- Keohane, R. O. & Joseph, S. N. (1975). "International Interdependence and Integration." In *Handbook of Political Science*. edited by Fred Greenstein and Nelson Polsby, 363-414. Andover: Addison-Wesley.
- Keohane, R. O. & Hoffman, S. (1991). *The European Community: Decisionmaking and Institutional Change*. Boulder: Westview.
- Nadalutti, E. (2019). To what extent does governance change because of sub-regional cooperation? The analysis of Iskandar-Malaysia. *International Relations of the Asia-Pacific*, Vol. 19, 1-31. doi: 10.1093/irap/lcw022
- Nau, H. R. (1979). From Integration to Independence: Gains, Losses, and Continuing Gaps. *International Organization*, 79(4), 119-147.
- Orsini, A. et al. (2020). Complex systems and international governance. *International Studies Review*, 22(4), 1008-1038.
- Panke, D., Lang, S., & Wiedemann, A. (2017). State and regional actors in complex governance systems. Exploring dynamics of international negotiations. *The British Journal of Politics and International Relations*, 19(1), 91-112.
- Panke, D. & Stapel, S. (2024). *Multi - level governance*. Handbook of Regional Cooperation and Integration. Edited by Philippe De Lombaerde. <https://doi.org/10.4337/9781800373747.00028>
- Scholte, J.A. (2021). Beyond institutionalism: Toward a transformed global governance theory. *International Theory*, 13(1), 179-191.
- Söderbaum, F. (2005). The international political economy of regionalism. In: N. Phillips (ed). *Globalizing international political economy*. Basingstoke: Palgrave Macmillan, 221-245.
- Söderbaum, F. (2011). Regionalism, See discussions, stats, and author profiles for this publication at: <https://www.researchgate.net/publication/260228052>
- Steets, J. (2003). In Global Public Policy Institute Networks: Engaging Governance? The Case of Transparency International, Paper presented in the United Nations Interregional Workshop on "engaged governance", Colombo, UN/DESA / Sri Lanka, (pp. 1-14).
- Tyminskyi, V. (2022) Mobilization, assembling and translation of integrated urban development policy in Ukraine: Revealing strategies, actors and labors, *Planning Practice & Research*, 1-23. doi:10.1080/02697459.2022.2042922
- Zelli, F., Gerrits, L., & Möller, I. (2021). Global governance in complex times: Exploring new concepts and theories on institutional complexity. *Complexity, Governance and Networks*, 6(1), 1-13.
- Ziari, K. (2013). *Principles and methods of regional planning*. Tehran: University Press. (in Persian)
- Ziari, K. & Mohammadi, A. (2016). *Regional development management with emphasis on Iran*. second edition. Tehran: University Press. (in Persian)
- Ziari, K. & Godarzvand Chegini, R. (2024). Explaining the obstacles and challenges of the establishment of integrated regional governance in Iran. *Journal of Geographical Survey of Space*. Volume 15, Number 1 (in Persian)